

تا نیمه‌ی راه

خاطرات شفاهی خدیجه میرشکار
اولین زن اسیر ایرانی
(جنگ تحمیلی عراق علیه ایران)

مصاحبه و بازنویسی:

ابوالقاسم علیزاده (آل یاسر)

سرشناسنامه	آل یاسر، ۱۳۳۶ -، مستعار، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآورنده	تا نیمه‌ی راه : خاطرات شفاهی خدیجه میرشکار، به‌عنوان اولین زن اسیر ایرانی / مصاحبه‌گر و بازنویس ابوالقاسم علیزاده (آل یاسر). مشهد: نشر شمشاد، ۱۳۹۴.
مشخصات نشر	۲۳۴ ص. رقعی.
مشخصات ظاهری	۹۷۸-۶۰۰-۹۴۹۳۹-۸-۲
شابک	فیفا
وضعیت فهرست نویسی	میرشکار، خدیجه
موضوع	شهیدان - - ایران - - بازماندگان - - خاطرات
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - - آزادگان
موضوع	DSR ۱۶۲۶ / م ۹ ت ۲ ۱۳۹۴
رده بندی کنگره	۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲
رده بندی دیویی	۳۹۹۲۶۴۳
شماره کتاب شناسی ملی	



شمشاد

انتشارات شمشاد

تا نیمه‌ی راه

خاطرات شفاهی خدیجه میرشکار

(اولین زن اسیر ایرانی جنگ تحمیلی ایران و عراق)

به قلم: ابوالقاسم علیزاده (آل یاسر)

ویرایش: سید خلیل حسینی عطار

نقیسه محمدزاده

چاپ و لیتوگرافی: چاپ آسمان

صفحه آرای: واژگان خرد / نخعی ۰۹۱۵۳۱۷۹۱۸۵

حروف‌چینی و طرح جلد: محمدی ۰۹۱۵۶۱۵۸۶۳۷

۱۰۰۰ نسخه رقعی

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۹۳۹-۸-۲

مشهد، میدان تقی آباد، ابتدای خیابان دانشگاه، کتاب آبان - تلفن ۳۸۴۳۳۱۵۷ - ۵۱

کلیه حقوق برای نشر شمشاد محفوظ است.

فهرست

۸.....	مقدمه
۱۱.....	بخش اول: تولد
۲۹.....	بخش دوم: ازدواج
۵۹.....	بخش سوم: آغاز جنگ و اسارت
۸۱.....	بخش چهارم: از سوسنگرد تا العماره
۱۰۹.....	بخش پنجم: بیمارستان العماره
۱۳۵.....	بخش ششم: سلول انفرادی در بغداد
۱۶۹.....	بخش هفتم: اردوگاه موصول ۱
۲۰۱.....	بخش هشتم: از اردوگاه رمادیه تا تهران
۲۲۱.....	ضمائم

مقدمه

یکی از شب‌های تابستان سال ۱۲۸۹ دور هم جمع می‌شویم، بعد از نماز جماعت مغرب و عشاء برادر عباس تیموری - مسئول انجمن راویان فتح استان خراسان - ضمن خوش آمدگویی بی مقدمه اعلام می‌کند:

امشب میهمان بسیار عزیزی داریم، از سردار درجه‌ای تقاضا می‌کنم، ایشان را معرفی نمایند.

و سردار سید هاشم درجه‌ای که سال‌ها پیش طعم تلخ اسارت را چشیده‌اند، پشت تریبون قرار گرفته و سه بار قسم جلاله یاد کرده و می‌گویند:

"به والله العلی العظیم! هیچ زن وزیر و صاحب منصبی در عراق، مثل این خواهر با عزت زندگی نکرده است."

نوبت به میهمان جلسه می‌رسد، راوی لحظه‌های آزادگی در اسارت روی صندلی می‌نشیند تا راویت گر محفل انجمن راویان باشد، خاطره "سرکار حاجیه خانم خدیجه میرشکار" به عنوان اولین بانوی اسیر ایرانی، شاید به خاطره انسان‌ساز حضرت مریم! پهلوی می‌زند که درستی کردار ایشان را به عنوان یک زن مسلمان در چنگال رژیم بعث عراق آشکار می‌سازد!

نوع بیان خاطره با ته لهجی عربی، جذابیت خاطره را دو چندان می نماید، اگرچه خاطره بسیار شیرین است اما دیدن هیأت شکسته‌ی ایشان سخت‌ترین شکنجه‌ی روحی است که نگارنده را آزار داد و از سوی دیگر سعه‌ی وجودی راوی، دسترسی به حرف‌های ناگفته و شاید رسالتی فراموش شده مرا بر آن داشت تا به فکر مصاحبه با بانوی آزاده‌ای باشم که حامل یک سینه حرف‌های نگفته است.

همان شب ضرورت این مصاحبه را با سردار درچه‌ای در میان می گذارم، ایشان هم از این پیشنهاد استقبال نموده و از طریق ایشان گفتگوی اولیه با سرکارخانم میرشکار صورت می گیرد، قرارهای مصاحبه‌ی اولیه نیز گذاشته می شود و کار مصاحبه صوتی و تصویری در "موسسه فرهنگی موج‌های بی قرار" طی روزهای متوالی به میزان ۱۴ ساعت به انجام می رسد و در ادامه‌ی مصاحبه‌های تکمیلی توسط دخترم عادلّه انجام می شود، مرحله دوم کار یعنی؛ پیاده سازی و تایپ نوارهای مصاحبه، در دفتر موسسه رقم می خورد و در خلال مشغله‌های کاری به بازنویسی و بازآفرینی اثر می پردازم، هرچند مرحله سوم به طول می انجامد ولی بسیار خرسندم که حاصل کار سرگذشت پژوهی جمعی، کتابی می شود که برحسب محتوا نام‌های سه گانه‌ای را طلب می کند، نام‌هایی نظیر: حبیب و خدیجه، آتش مهر و تا نیمه‌ی راه.

در آخرین لحظات بازنگری نهایی اثر سومین عنوان را برگزیدم زیرا هم حبیب تا نیمه‌ی راه خدیجه را در آخرین سفر زمینی همراهی می کند و هم خدیجه است که با پیمودن مسیر اسارت، حبیب را در سفر آسمانی او همراهی می کند.

"تا نیمه‌ی راه" انتخاب یک راه با دو فرجام متفاوت و روایت گر عشق مقدسی است که در حریم مهرورزی سربازان امام بیداری رقم می خورد و بارها راوی لحظه‌های ترس و اضطراب را در زندان‌های بغداد به کام مرگ سوق می دهد.

در حقیقت باید گفت: خاطرات داستانی "تا نیمه‌ی راه" گویای غم، اندوه سخت، بلا و مصیبتی است که در مهرماه سال هزار و سیصد و پنجاه و نه شمسی بر

اثر آتشباری و تجاوز گسترده‌ی رژیم بعث عراق به سرزمین ایران اسلامی، در پنج کیلومتری سوسنگرد، شعله‌های آن آتش در دامن یک دختر بیست و دو ساله می‌افتد و اسارت سرنوشت زندگی او را تغییر می‌دهد.

در خاتمه بسیار شایسته است تا از تمامی کسانی که در شکل‌گیری این اثر متحمل زحماتی شده‌اند تقدیر و تشکر نمایم، به‌ویژه بسیار لازم است از صبوری سرکار حاجیه خانم خدیجه میرشکار به‌عنوان راوی این اثر، از همراهی و مساعدت موثر جناب آقای صواعدی در انتخاب زبان و گویش عربی و نیز از راهنمایی‌های ارزشمند جناب آقای مرتضی سرهنگی تقدیر نموده و مراتب امتنان و سپاسگذاری خود را از آنان صمیمانه اعلام نمایم.

والسلام

ابوالقاسم علیزاده آغویی (آل یاسر)